

جبهه جنگ آباده علیه پلیس جنوب

● مرحوم دکتر جمشید صداقت کیش*

خلاصه

پلیس جنوب توسط بریتانیا، بدون اطلاع و موافقت دولت ایران، در سال ۱۲۹۵ خ. در جنوب ایران تشکیل و طی دو سال عده آن از ایرانی، هندی و انگلیسی بالغ بر ۱۱ هزار نفر شد. حزب دمکرات فارس با تمایلات آلمانوفیلی و مخالفت با روس و انگلیس به شدت با پلیس جنوب مخالفت و مردم فارس را علیه آن تهییج می کرد. جرقه جنگ علیه پلیس جنوب با فرار هفت نفر سرباز ایرانی پادگان پلیس جنوب در آباده برافروخته شد. پس از اندکی تعداد آنها به دوازده نفر افزایش یافت. آنها یادداشتی در پادگان برجای گذاشتند که چون پلیس جنوب علیه کشور ما و دین ما است، آن را ترک می کنیم. سرانجام اینان توسط پلیس جنوب دستگیر و در برابر کنسول انگلیس در اصفهان تیرباران شدند. مقاله حاضر شرح این ماجرای گفته نشده در تاریخ ایران است.

* زمانی که این مقاله مراحل انتشار در فصل نامه را می گذراند؛ از خیر تأسف برانگیز فوت مرحوم جمشید صداقت کیش اطلاع یافتیم. ضمن عرض تسلیت مجدد به خانواده و دوستان ایشان آرزوی علو و مغفرت الهی برای مرحوم صداقت کیش، نگاه کوتاهی به زندگی آن مرحوم را تقدیم خوانندگان محترم می کنیم:

دکتر جمشید صداقت کیش در سال ۱۳۱۵ در شهر آباده متولد می شود. تحصیلات ابتدایی و دوره اول متوسطه در آباده و دوره دوم متوسطه در اصفهان و تحصیلات دانشگاهی را تا مقطع کارشناسی ارشد در دانشگاه تهران گذراند و دکترای خود را از آکادمی علوم تاجیکستان با درجه عالی گرفت. وی با گذراندن دوره یک ساله تربیت معلم، به مدت سه سال آموزگار روستاهای آباده و سپس دبیر در شهرهای آباده و تهران بود و از سال ۱۳۵۱ تا ۱۳۸۳ در مؤسسات آموزش عالی و دانشگاه ها تدریس می کرد. و از سال ۱۳۴۸ کار فارسی پژوهی و ایران شناسی را آغاز نمود و تاکنون ۷۰ رساله و کتاب و ۳۲۲ مقاله به زبان فارسی و انگلیسی از ایشان چاپ و منتشر شده و کتاب کردان پارس و کرمان وی در سال ۱۳۸۲ پژوهش برگزیده سال شد.

سازمان و تشکیلات پلیس جنوب

سال تأسیس

در سال ۱۹۱۶م. (۱۳۳۴ ه.ق. / ۱۲۹۵ خ.). سرهنگ پرسی سایکس (Percy Sykes) با سه افسر انگلیسی وارد بندرعباس شد و بدون اجازه دولت ایران شروع به سربازگیری کرد تا نیرویی انگلیسی در جنوب ایران ایجاد کند.

نام این نیرو South Persian Rifles گذاشته شد که به اختصار به آن SPR (اس. پی. آر) گفته می‌شد و در ایران به نامهای قشون جنوب، پلیس جنوب، تفنگداران پلیس جنوب مشهور گردید.

تنویرهای انگیزه تأسیس پلیس جنوب

در مورد انگیزه تأسیس پلیس جنوب پنج نظریه مطرح شده که عبارتند از:

۱. تأمین امنیت راههای تجارتی بوشهر - شیراز به اصفهان
۲. کمک به دولت ایران در حفظ امنیت داخلی راههای تجارتی و جلوگیری از بی‌نظمی‌هایی که بیشتر به واسطه آلمان‌ها و نمایندگان دیگران تولید می‌شده، تشکیل می‌شود.
۳. جلوگیری از گسترش نفوذ کمونیزم در جنوب ایران
۴. جدا کردن استان فارس آن زمان (شامل فارس، کهگیلویه و بویراحمد، بوشهر، هرمزگان و قسمت‌هایی از کرمان و خوزستان)
۵. مقابله با نفوذ آلمان؛ چون آلمانی‌ها در گروه عشایر فارس که مخالف بریتانیا بودند، نفوذ داشتند.

۱۲

تعداد اعضا

طی دو سال این نیروی انگلیسی، مستقر در جنوب ایران، ۱۱ هزار عضو داشته و در آخرین روزهای عمر آن ۷۸۲۵ نفر از آن ایرانی، ۲۷۰۰ نفر هندی و ۴۷۵ نفر انگلیسی بوده‌اند.

در دوران جنگ و مبارزه مردم فارس علیه پلیس جنوب، اکثر نیروهای ایرانی پلیس جنوب، پادگانها را ترک می‌کرده‌اند، اما پلیس جنوب مدام عضوگیری و سربازگیری می‌کرده است. این موضوع از آمارهای زیر کاملاً مشخص است:

در سیزدهم مارس ۱۹۱۸م. (اول جمادی‌الثانی ۱۳۳۶/۳۱ اسفند ۱۲۹۶ خ.). تعداد نیروهای ایرانی

پلیس جنوب بدین قرار بوده است:

فرماندهی	۱۰۲	نفر
بریگاد فارس	۳۸۱۰	نفر

جبهه جنگ آباده عليه پليس جنوب

بريگاد کرمان	۲۶۲۴	نفر
بريگاد بندر عباس	۸۸۹	نفر
جمع	۷۴۲۵	نفر ^۱

در اول ماه مه ۱۹۱۸ م. (۳۰ رجب ۱۳۳۶ / ۱۱ اردیبهشت ۱۲۹۷ خ.) تعداد افراد ایرانی پلیس

جنوب بدین شرح بوده است:

نیروی فرماندهی	۱۰۲	نفر
بريگاد فارس	۳۹۷۳	نفر
بريگاد کرمان	۲۸۸۸	نفر
بريگاد بندر عباس	۱۷۲۵	نفر
جمع	۷۸۲۵	نفر ^۲

بدین ترتیب، به رغم فرار مداوم ایرانیان از پلیس جنوب، از ۱۳ مارس تا اول مه، یعنی در طی ۵۰ روز ۴۰۰ نیرو به آن افزوده شده است.

۱۳

نحوه سر باز گیری

عضوگیری ایرانیان برای سر بازی و گاه برای مناصبی تا حد سلطانی (سروانی) انجام می شده است. بقیه نیروها از نفرات هندی و انگلیسی ارتش بریتانیا مستقر در هند تأمین می شده است. شرکت ایرانیان در پلیس جنوب، صرفاً ناشی از فقر مادی و فرهنگی بوده است. برای استخدام ایرانیان، فرد داوطلب باید فرم استخدامی مخصوص پلیس جنوب را پر می کرد و امضا می نمود و امضای او نیز توسط مجتهد محل گواهی می شد. نمونه فرم استخدامی پلیس جنوب در صفحه بعد مشاهده می شود. این فرم از مجموعه خصوصی آرشیو چاپخانه احمدی گرفته شده است و اینک برای اولین بار برای استفاده اهل تحقیق چاپ می شود. (۱)

تشکیلات پلیس جنوب

پلیس جنوب، در بندر عباس، سعیدآباد کرمان (که امروز سیرجان نامیده می شود)، نی ریز، شیراز، کازرون و آباده پادگان (بریگاد) داشته است. مهمترین پادگان پلیس جنوب و مرکز فرماندهی آن در ایران، در شیراز قرار داشته و بعد از آن پادگان آباده مهمترین آنها بوده است. پلیس جنوب غیر از پادگانهای بالا، پاسگاهها و پست‌هایی در مسیر راهها و بین پادگانها داشته است.

قسمت	موضوع	نویسنده
مقدمه	قسمت یاد مینمایم ، که نهایت صمیمیت و صداقت دانست علیحضرت تقدیر قدرت شاهنشاه ایران ارواحساقداه ابراز داده ؛ بویه او امر صاحبان و قوانین واحکام نظامی اداره قشون جنوب ایران ، در سده های خدمت خود را مطیع صرف دانسته و تا مدت سه سال در هر نقطه مملکت ایران جزو اداره قشون جنوب ایران خدمت نمایم از این تاریخ	
۱۶	قسمت یاد نبود در حضور من امروز	محل امنی با علامت نستعلیق
۱۶	محل امضا مجید	محل امضا صاحب منصب فرمانده قسمت
	محل حضور من قسمت یاد نبود امروز	
	محل امضا صاحب منصب فرمانده قسمت	

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جبهه جنگ آباده عليه پليس جنوب

SOUTH PERSIA RIFLES:
ATTESTATION OATH

Corps _____
I _____
Son _____
Born at _____
Age _____

hereby swear that I will be faithful and bear true allegiance to His Imperial Majesty the Shah of Persia and will render full obedience to the Officers and regulations and Orders of the South Persia Rifles during my service therein and that I will serve in the South Persia Rifles anywhere in Persia for three years from _____

Seal, signature, or left thumb impression

Sworn before me _____
This _____ day of _____ 19____

Seal or signature of the Mullah _____
Sworn & sealed in my presence _____
This _____ day of _____ 19____

Officer Commanding Corp- _____

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

تاریخ: ۱۳۳۵
محل: آباده عليه

نحوه ارتباط سازمانی

تمامی واحدهای پليس جنوب، پاسگاهها با پادگانها و پادگانها با فرماندهی در شیراز از طریق نامه، تلگرام و بی سیم ایجاد ارتباط می کرده اند.

فرماندهی شیراز با ستاد فرماندهی کل در سیما در هندوستان در ارتباط بوده است.

نامه ها و پیامهای نوشتاری از طریق پیک مخصوص خودشان و قاصد ارسال می شده است.

وسایل حمل و نقل و تسلیحات

پلیس جنوب، افزون بر چارپایان، وسیله موتوری از سواری، نفربر، توپخانه کوهستانی، انواع تفنگ و مسلسل داشته و در مقطع جنگ از هواپیما هم استفاده کرده است.

رسمیت پلیس جنوب

از لحظه تأسیس پلیس جنوب، دولت ایران آن را به رسمیت نشناخت تا بالاخره با اعمال نفوذ انگلستان در اوایل سال ۱۹۱۷م. (۱۳۳۵ ه.ق. ۱۲۹۶خ.) دولت ایران آن را به رسمیت شناخت.

انحلال پلیس جنوب

پلیس جنوب در سال ۱۹۲۲م. (۱۳۰۱خ.) منحل شد و با روی کار آوردن رضاشاه، که اهداف بریتانیا را تأمین می‌کرد، دیگر نیازی به پلیس جنوب نبود.

عوامل ایجاد جنگها علیه پلیس جنوب

عوامل ایجاد جنگها علیه پلیس جنوب به اختصار عبارتند از:

۱. حزب دموکرات فارس (سال تأسیس ۱۳۲۹ ه.ق. ۱۹۱۱م. ۱۲۹۰خ) با تمایلات آلمانوفیلی و با ضدیت با روس و انگلیس
۲. روحانیان؛ حکم جهاد سید عبدالحسین لاری و شیخ محمدجعفر محلاتی علیه پلیس جنوب. زیر اعلامیه‌ها اسامی ۱۲ روحانی ذکر شده است.
۳. والی فارس؛ مخبر السلطنه با تمایلات آلمانوفیلی علیه انگلیسی‌ها بوده است.
۴. افسران ایرانی پلیس جنوب؛ که قبلاً در ژاندارمری سوئدیها کار می‌کرده‌اند.

لشکرکشی‌های پلیس جنوب

پلیس جنوب برای سرکوب عشایر و نیز مردم به مناطق زیر نیرو فرستاد و مردم را سرکوب، خانه‌ها را غارت و قلعه‌ها را خراب کرد:

۱. اطراف شهر بابک
۲. سرجهان (بخشی از شهرستان کنونی بوانات)
۳. اطراف شهر ارسنجان

جبهه‌های جنگ علیه پلیس جنوب

جبهه‌های جنگ به ترتیب زمانی به قرار زیر بوده است:

جبهه جنگ آباده عليه پليس جنوب

۱. جبهه آباده ۲. جبهه كازرون ۳. جبهه شيراز ۴. جبهه فيروزآباد.

جبهه آباده

تأسيسات پليس جنوب در آباده

گفته شده تأسيس پادگان آباده توسط پليس جنوب دو هدف داشته است:

۱. تسهيل در امر حمل و نقل كالاهاى تجارى كمپانى هند شرقى كه از بوشهر به شيراز و از شيراز به اصفهان حمل مى شده و عموماً توسط عشاير منطقه و دزدان غارت مى شد. انگلستان براى اين كار غير از تأسيسات پليس جنوب در شهر آباده، بين شيراز و اصفهان در نقاط زير پاسگاه ايجاد مى نمايد:

باجگاه، زرقان، قوام آباد، ده بيد، گردنه كولى كُش، خان خوره (Kankooore) شورجستان، برج شش كيلومترى جنوب ايزدخواست، ايزدخواست، امين آباد، مقصودبيگ، شهرضا، يونگى آباد [يونگى آباد] (۲) و (۳)

۲. جلوگيرى از توسعه نفوذ روس به فارس

به سبب همين دو هدف، پس از پادگان شيراز، پادگان آباده از تمامى تأسيسات پليس جنوب در جنوب ايران مهم تر بوده است.

تأسيسات پليس جنوب در آباده

سازمان پليس جنوب در آباده پادگان نساخت بلکه از ساختمانهاى موجود آباده، استفاده و آنها را اجاره کرد.

پليس جنوب در آباده داراى هفت ساختمان بوده است:

۱. رونقيه (Rownagiye)، مركز اصلى بريگاد و مركز انگليسى ها

۲. قلعه روبروى رونقيه، مركز ايرانى هاى پليس جنوب (به نام كاروانسراى افغان)

۳. كاروانسراى اكبر زمانى، قسمت هنديها

۴. كاروانسراى عباسخانى، مركز سواره نظام

۵. ساخلوى پشت باغ محمدعلى خان، براى مشق و تمرين هاى نظامى

۶. خانه اى در مجاورت رونقيه، به عنوان بيمارستان

۷. باغ محمدعلى خان قشقايى

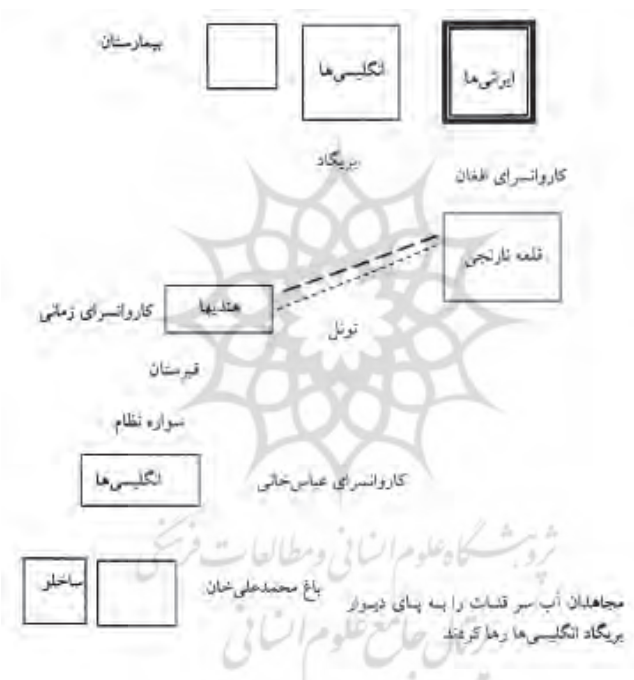
در مراحل اوليه، پادگان آباده داراى ۶۰۰ عضو بوده است. تعداد آنها به تفكيك ايرانى، هندى و انگليسى مشخص نيست و در اسناد هم نيامده است.

مختصات مطالعات تاریخی

مهمترین چهره‌های پادگان آباد کاپیتان فریزر (Fraser)، رئیس پادگان آباد، و از دسته سواران هند مرکزی، کاپیتان وینتر (Winter)، کاپیتان گوین گرفت (Gwynne Griffith) و گروهان بارنز (L. Barnes) بوده‌اند.

حزب دموکرات آباد

شعبه حزب دموکرات فارس در آباد بلافاصله پس از تأسیس شعبه این حزب در شیراز، تأسیس شد.



۱۸

آخرین محل شعبه حزب دموکرات در آباد، در تیمچه صرافیان در بازار نو و یکی از آخرین رئیس‌های آن، حاجی ملا عبدالله واعظ (بعدها با نام خانوادگی واعظ‌زاده)، روحانی و پیش نماز مسجد جامع آباد و تاجر مشهور بوده است.

اعضای عمده آن شعبه که نامشان در اسناد بریتانیا آمده عبارتند از:

۱. قاضی ۲. عمیدالاسلام (برادر قاضی و هر دو با نام خانوادگی قاضی) ۳. میرزا حسین (برادر شماره‌های ۱ و ۲، بعدها با نام خانوادگی سلطانی) ۴. آقا یوسف‌خان (بعدها با نام خانوادگی دهقان) ۵. آقا حسین (بعدها با نام خانوادگی پورحمزه) ۶. میرزا عبدالکریم‌خان، معاون اداره

جبهه جنگ آباده علیه پلیس جنوب

مالیه آباده ۷. علی اصغر (فرزند حاجی ملا عبدالله واعظ) و منشی تلگرافخانه ایرانی آباده که تمامی اعلامیه‌ها علیه پلیس جنوب به خط وی بوده است ۸. علی اکبر (مانند شماره ۷) و گروهی دیگر. افراد حزب دموکرات آباده لباس متحدالشکلی از کرباس آبی داشته‌اند تا اعضا بتوانند بدین وسیله یکدیگر را شناسایی کنند. در میان اسناد و مدارک مجموعه خصوصی حاج ملا عبدالله شیرازی که نامه‌هایی از فرزندش علی اکبر واعظزاده بوده، نامه‌هایی وجود دارد که مشخص می‌کند هر عضو، شماره رمزی داشته است مانند: «خدمت جناب مستطاب آقای حاج ۹. ۴ عرض ارادت بنده را تقدیم فرمائید؛ همچنین خدمت آقای ۳۴۱ عرض سلام دارم.» (نامه صفحه ۱۶)

«حضرت آقای ۵۵۲ را مخلصم.» (نامه ص ۱۸)

«از حالات جناب ۱۵۶ و جناب ۲۴۱ مرقوم فرمائید. خدمت جناب ۲۴۱ و خدمت جناب ۱۲ عرض سلام می‌رسانم.» (نامه ص ۳۰)

- «حضرت آقای ۵۵۳ را به عرض بندگی مصدع است.» (نامه ص ۵۱)

- «حضرت آقای ۱۱۸ را به عرض بندگی مصدع است.» (نامه ص ۱۱۴)

- به مخلص و جناب ۵۵۲ مرقوم فرمائید.» (نامه ص ۱۲۴)

- «خدمت جناب آقای ۱۵۱ عرض سلام و بندگی را ابلاغ نمائید.» (نامه ص ۱۳۲)

با توجه به این که تاریخ نامه‌ها از سال ۱۳۴۰ و ۱۳۴۱ ه. ق. می‌باشد، و پیش از آن، نامه‌ها بدون کد رمز است. (۴) مشخص است که از سال ۱۳۴۰ ه. ق. اعضای حزب دارای شماره رمز شده‌اند، مگر این که تصور کنیم اعضای حزب مزبور از آغاز شماره رمز داشته‌اند و علی اکبر واعظزاده از سال ۱۳۴۰ ه. ق. عضو حزب شده باشد، که چنین چیزی محال است. افزون بر آن، غالب گیرندگان نامه‌های وی، تجار شیراز می‌باشند و مشخص است که اعضای حزب دموکرات شعبه شیراز دارای شماره رمز بوده‌اند.

اهم فعالیتهای شعبه حزب دموکرات در آباده غیر از جلسه‌های حزبی، عضوگیری، تماس دائم با شعبه حزب در شیراز (۵) و غیره عبارت بوده از:

۱. کسب خیر از ظلم‌های پلیس جنوب، بزرگ نمایی آنها و انتشار آنها در میان مردم آباده

۲. انتشار اعلامیه

۳. جعل اخبار درباره پلیس جنوب و انتشار آنها

۴. تحریک و شوراندن مردم علیه پلیس جنوب

۵. ایجاد ارتباط با افسران ایرانی پلیس جنوب و همراه کردن آنها با مردم

۶. تکثیر حکم جهاد و اعلامیه‌های روحانیان شیراز و انتشار آنها در بین مردم

۷. ایجاد ارتباط از طریق فرستادن قاصد نزد ایلخانی ایل قشقای، صولت‌الدوله

مطالعات تاریخی

۸. تشویق سربازان پلیس جنوب به فرار از پادگان در زمان جنگ
 ۹. حفر تونل هفتاد متری به مقر سربازان هندی پیش از جنگ
 ۱۰. تشکیل کمیته نادری و کنترل شهر آباد (۶)
- که مشروح برخی از موارد فوق را در روزنامه جنگ مطرح می‌کنیم.
سایکس در مورد فعالیت‌های شعبه آباد حزب دمکرات می‌نویسد: «اهالی آنجا [آباد] که بین آنها عده زیادی بهایی و دمکرات بودند هیچوقت با ما مناسبات نداشتند»
در جایی دیگر درباره دروغ‌پردازی سایکس درباره بهایی‌ها صحبت خواهیم کرد اما مشخص است که تعداد اعضای حزب زیاد بوده و فعالیت آنها چشمگیر.



سر پرسی سایکس

اخبار جنگ

خبر جدید

زنی به نام خانم شیرین^(۷)، که هر روز بامداد یک ظرف شیر از روستای جزمودق (Jazmudag)^(۸) برای پادگان می‌برده، از طرف افسران ایرانی پادگان خبری می‌آورد مبنی بر این که به زودی پلیس جنوب آباده به شهر آباده حمله می‌کند.

وی این خبر را به آقا ضیاء دایی، رابط حزب می‌رساند.^۲ حزب به کربلایی تقی (بعدها دانشور و مشهور به کل^(۹) تقی بیدکی^(۱۰)) نامه‌ای می‌دهد تا او به صولت‌الدوله برساند. او با شتاب هر چه تمامتر از بیراهه خود را به شیراز می‌رساند و نامه را تحویل می‌دهد^(۱۱) و^(۱۲) صولت‌الدوله، محمدعلی خان قشقایی، سالارمظفر، حاکم سابق آباده و عموزاده خودش را به اتفاق صولت‌السلطنه، برادر تنی خود با ۸۰۰ نفر قشقایی و سرحدی^(۱۳) برای کمک به مجاهدان آباده‌ای می‌فرستد.^۴

از تاریخ ارسال نامه به صولت‌الدوله و آمدن نیروی کمکی محمدعلی خان قشقایی هیچگونه اطلاعاتی نداریم، اما در اسناد بریتانیا چنین آمده است:

«۲۱ مارس ۱۹۱۸ [اول فروردین ۱۲۹۷] به نظر می‌رسد که هیچانی در بین افراد محمدعلی خان، حاکم سابق آباده، وجود دارد و قصد دارند به آباده و روستاهای اطراف آن حمله کنند».^۵

فرار سربازان از پادگان آباده

همانطور که گفته شد حزب دمکرات آباده به کمک افسران ایرانی اس. پی. آر (S.P.R) سربازان ایرانی را تشویق به فرار می‌کرده است. گزارشهایی در بین اسناد بریتانیا این چنین است:

«۲۰ آوریل ۱۹۱۸ [۲۹ فروردین ۱۲۹۷] فرماندهی آباده گزارش می‌دهد که ۱۰ نفر فراری با یک آسپیران اسپیار، تفنگ، اسب و مهمات خود را برداشته‌اند و فرار کرده‌اند.^(۱۴) نیمی از یک رسته به تعقیب آنها هستند. شش نفر از فرارکنندگان از شمال ایران می‌باشند. گارد [نگهبان] در میان آنها می‌باشد.»

علت فرار آنها هم چنان که نامه‌ای برجای گذاشته‌اند و اعلام داشته‌اند که در حال فروش کشورشان به بریتانیا هستند، واضح است که [فرار] سیاسی بوده است. بریگاد فارس در ارسال گزارش بالا اظهار می‌دارد که آسپیران (علی آقا بگ) به عنوان یک شخصیت نادرست شناخته می‌شود اما او هیچ دلیلی برای اقداماتی که علیه او انجام شده، ارایه

نکرده است.^۶

سایکس در کتاب خود می‌نویسد فراریان نامه‌ای برجای می‌گذارند که چون اسپیار علیه دین و کشور ما است، آن را ترک می‌کنیم.^۷

گزارش دیگری از ۲۲ آوریل بیانگر آن است که از سیملا تلگرام به اسپیار شیراز و از آنجا به آباده مخابره شده که رهبر فراریان اعدام و بقیه شلاق زده شوند و تبعید گردند.^۸ در ۲۲ آوریل گزارش شده که کاپیتان وینتر (winter) با یک دسته ۱۲ نفره به دنبال آنها رفته و در ورودی اصفهان پنج نفر از فراریان از جمله اسپیران علی آقا بگ را دستگیر کرده است.^۹

در گزارش ۲۷ ژوئن نیز آمده است که در هفته گذشته ۲۶ نفر از اسپیار آباده به دشمن - [از دید آنها و مجاهدان از دید ما] - ملحق شده‌اند.^{۱۰}

در اسناد وزارت امور خارجه گزارشی است از اصفهان به آن وزارتخانه درباره این فراریان و دستورالعمل داده که با لباس مبدل به کاشان بروند.^{۱۱}

وزارت امور خارجه

اداره رمز دائره

مورخه ۱۶ شعبان ۱۳۳۶

نمره ۱۳۹۷

در اصفهان

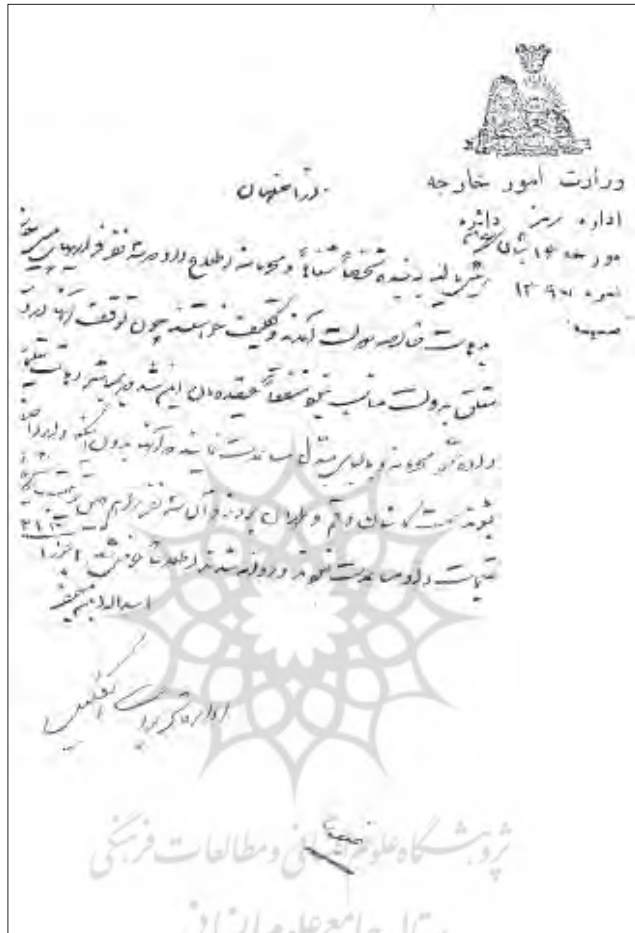
ضمیمه

رئیس مالیه به بنده شخصاً شفاهاً و محرمانه اطلاع داد که سه نفر فراریهای پلیس جنوب آباده به دهات خالصه دولت آمدند و تکلیف خواستند چون توقف آنها در دهات متعلق بدولت مناسب نبود متفقاً عقیده‌مان این شد که به مباشر دهات تعلیمات داده شود محرمانه و با لباس مبدل مساعدت نمایند که آنها بدون اینکه وارد اصفهان بشوند سمت کاشان و قم و طهران بروند و آن سه نفر را هم همین ترتیب رئیس مالیه تعلیمات داد مساعدت نمودند و روانه شدند اطلاعاً عرض شد. ۱ جوز ۲۱۳

اداره تحریرات انگلیس

ضبط شود

اسدالله بن جعفر



گزارش فراریان پادگان آباده، از آرشیو اسناد قدیمه وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، (کارتن ۴۸، پرونده ۱۴، نامه شماره ۱۳۹۷، مورخ ۱۶ شعبان ۱۳۳۶).

پس از دستگیری آنان، سرهنگ هیگ (Haig) کنسول انگلیس در اصفهان شش نفر از فراریان مزبور را در خارج از شهر اصفهان تیرباران می‌کند.

در خاطرات منتشر نشده هیگ نحوه بازجویی آن عده آمده است و آنان اظهار داشته‌اند که تحت تأثیر افسران ایرانی پادگان فرار کرده‌اند. (۱۵)

در اسناد وزارت خارجه ایران گزارش تیرباران آنها که بدون بازجویی انجام شده و

نیز نامه دیگری که هویت فراریان را خواسته‌اند بدانند وجود دارد که در صفحات بعد می‌بینید.

حکم جهاد

واقعه اعدام گروه سربازان فراری پادگان آباءه، دل مجاهدان را داغدار می‌کند. خبر را شعبه حزب دمکرات آباءه ضمن انتشار اعلامیه‌ای به اطلاع مردم آباءه و شعبه حزب شیراز می‌رساند و سبب می‌شود علماء و روحانیون اقداماتی انجام دهند از جمله حکم جهاد سید عبدالحسین لاری. در گزارش ۲۳ ماه مه ۱۹۱۸ چنین آمده است:

گزارشهای بیشتری دریافت شده مبنی بر این که آقا سید عبدالحسین لاری در فیروزآباد حکم جهاد داده است.

۱- درباره فرار سربازان مطالب بیشتری است که امید در کتابی همه مسائل مطرح کنم. وی نامه‌های آتشیینی به کوهستانی‌ها(۱۶)، اعراب(۱۷) و لشنی‌ها(۱۸) نوشته و آنها را علیه بریتانیا دعوت کرده است... حاج میرزا محمدباقر (دستغیب) و سید جواد (محقق)(۱۹) جلسات بیشتر از دمکرات‌ها در شیراز برپا کرده‌اند. آنها از شرایط موجود خوشحال هستند و انتظار دارند در شهر شیراز در دسرهایی بوجود آورند.^{۱۲}

۲۴

وزارت امور خارجه

اداره رمز دائره

مورخه ۱۵ رجب ۱۳۳۶

نمره ۱۱۷۱

ضمیمه

از اصفهان

امروز دو نفر صاحب منصب و چهار نفر تابعین فراری پلیس جنوب در آباءه را که تحقیقات لازمه از ترتیب دستگیری و اسامی خواهد شد در خارج شهر با حضور جنرال انگلیسی نظامی اسپار [اس.پی.آر. (S.P.R.)] تیرباران می‌کنند از قراری می‌گویند گویا استنطاقی نشده است تحقیقات نموده مفصلاً به عرض می‌رسانم.

۵ ثور نمره ۱۱۱

۱۳ رجب اسدالله بن جعفر

اداره تحریرات انگلیس

روسها و در زمان استقرار خود این مقوله اقدامات را نموده‌اند قویاً به سفارت انگلیس

جبهه جنگ آباده عليه پليس جنوب

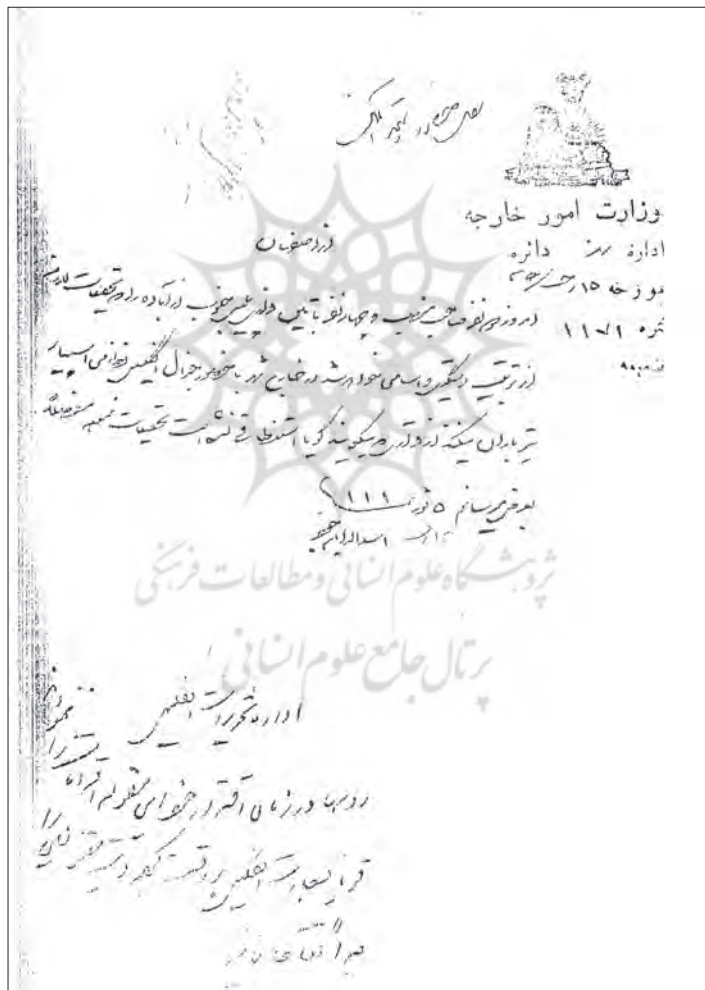
پروتست کرده و دوسيه مقتولين را بعداً تقاضا نمايند.

نمره ۱۰۰ و نمره ۱۱۱ دوسيه به سفارت پرست شد لازم بود اين واقعه را [ناخوانا] و زودتر اطلاع می داديد. به هر حال تفصيل و هويت مقتولين را فوراً اطلاع بدهيد. ديۀ آنها مطالبه شود.

اعتلاءالملک

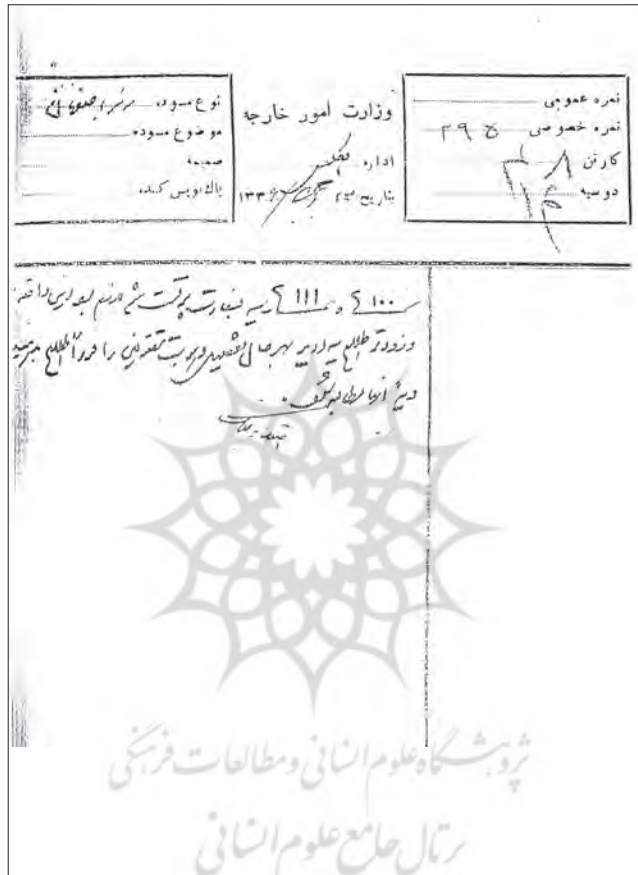
گزارش تيرباران فراريان پادگان آباده از آرشيوا اسناد قديمه وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ايران

(کارتن ۴۸، پرونده ۱۴، نامه شماره ۱۱۷۱، مورخ ۱۵ رجب ۱۳۳۶)



مختصانه مطالعات نابینا

از آرشیو اسناد قدیمه وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران
(کارتن ۴۸، پرونده ۱۴، نامه شماره ۲۹۵، مورخ ۲۳ رجب ۱۳۳۶)



اعلان فرمان حضرت سبحان و محکمت قران و امام زمان یا ایها الذین آمنوا جاهدوا الکفار
والمنافقین و من یتولهم منکم فأولئک منهم.

اعلان فرمان حضرت باری را به هر جا و هر کس از فرق مسلمین داخل و خارج و حتی بر
نسوان و صبیان و سلطان و شاهزاده فرمانفرما و کافه مسلمانان واجب فوری و عینی است
خصوصاً در این موقع جهاد و دفاع این کفار ابالیس انگلیس و عوام اکفر از آنها و سد ابواب
طمع و جای قرار داده فرار از هر گوشه و کنار کوچه و بازار بدون مهلت و انتظار جز بعذاب
النار و خزی عار و صغار چنانچه حق سبحانه و تعالی در کلام معجز بیانش صریحاً فرموده

جبهه جنگ آباده عليه پليس جنوب

است

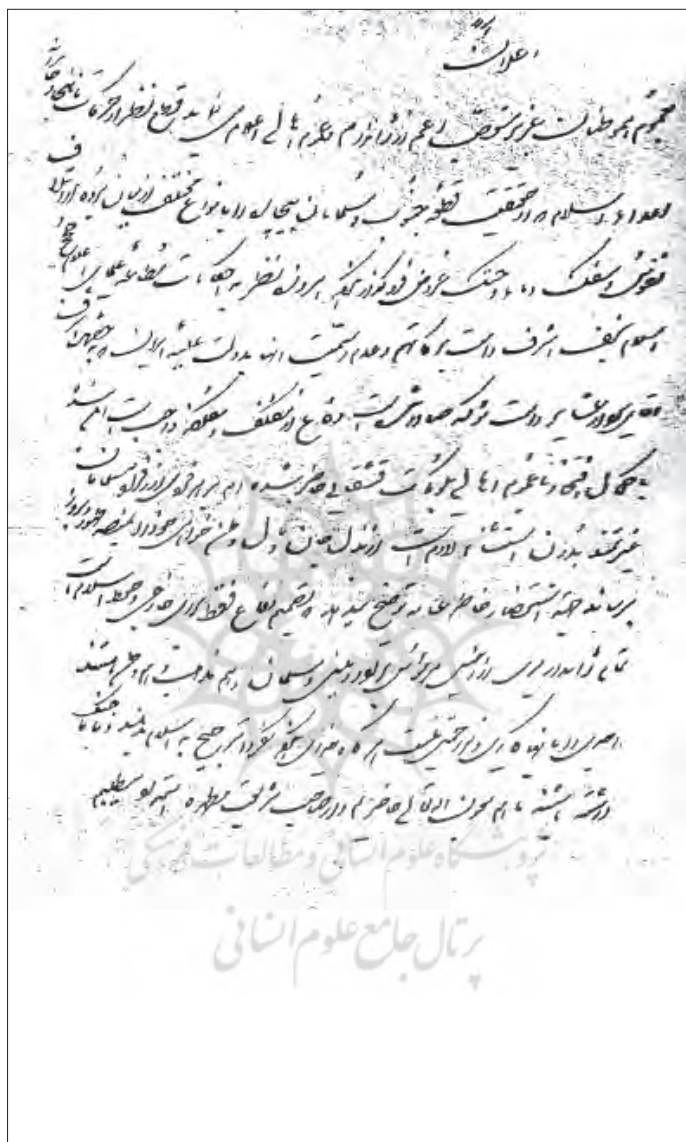
فَأَقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَخُذُوهُمْ وَأَحْصُرُوهُمْ وَأَقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصَدٍ
و هر کس تخلف و تقاعد از این جیش مجاهدین و جهاد اکبر و نهی از منکر نماید کَأَنَّ
تَخَلَّفَ از جیش اسامه امام عصر نموده ولو سلطان و شاهزاده باشد چنانچه شارع مقدس
فرموده است

مَنْ اسْتَحْلَلَ الْحَرَامَ خَرَجَ عَنِ الْإِسْلَامِ وَ مَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ أُولَئِكَ
يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَ يَلْعَنُهُمُ الْأَعْيُنُ چنانچه در حق عالم بنی اسرائیل فرمود مثله کمثل الكلب الی
غیر ذالک.



اعلان

بعموم هموطنان عزیز متعصب اعم از ژاندارم و عموم اهالی اعلام می‌نماید قطع نظر از حرکات نابهنجار جابرانه اعداء اسلام که در حقیقت قطعه جنوب و مسلمانان بیچاره را با انواع مختلف از میان برده از اتلاف نفوس و سفک دماء و هتک عروض فروگذار نکرده امروزه نظر به احکامات مطاعه علمای اعلام و حجج اسلام نجف اشرف دامت برکاتهم و عدم رسمیت آنها بدولت علیه ایران که به حضرت اشرف آقای سردار عشایر دامت شوکتہ صادر شده است دفاع از مکلف و مکلفه واجب است این بنده با کمال افتخار با عموم اهالی بلوکات قشقایی حاضر شده‌ایم بر هر فردی از افراد مسلمانان غیرتمند بدون استثناء لازم است از بذل جان و مال وطن خواهی خود را به منصفه ظهور و بروز برساند جهت استحضار خاطر عامه توضیح می‌دهد که تصمیم دفاع فقط برای خارجی و حفظ اسلام است تمام ژاندارمری از رئیس و مرئوس برادر دینی و مسلمان و هم مذهب و هم وطن هستند احدی را به آنها کاری و مزاحمتی نیست هر گاه خدای نکرده کفر را ترجیح به اسلام بدهند و با ما جنگ داشته باشند ما هم بعنوان الله تعالی حاضریم و از صاحب شریعت مطهره استمداد می‌طلبیم.



اعلامیه منتشره در آباده مبنی بر تأکید به احکامات علمای اعلام حج اسلام در نجف اشرف و دفاع واجب و مبارزه و جنگ به خاطر مذهب و اسلام- زمان این اعلامیه در دوره جنگ

در سال ۱۳۳۶ ه.ق. (از مجموعه خصوصی جمشید صداقت کیش)

نیروی کمکی برای مجاهدان آباده‌ای

گزارش زیر در اسناد بریتانیا بیانگر آن است که محمدعلی خان قشقایی با نیروهایش به سوی آباده در حرکت است:

«۱۰ ژوئن ۱۹۱۸- پاراگراف ۲۲۱- اطلاعات دریافت شده از فرماندهی آباده مبنی بر آن است که محمدعلی خان (حاکم سابق آباده) دوهزار نفر که شامل کرد شولی‌ها و خان فیروزی‌ها (Khan-Firruzis) می‌باشند، گرد کرده و او تدارک حمله به شهر آباده را می‌بیند. تمام افسران ایرانی (بریگاد) آباده در ششم ژوئن سوگند وفاداری خوردند.»^{۱۳}

«۱۳ ژوئن ۱۹۱۸- پاراگراف ۲۲۵-... فرماندهی آباده در تاریخ ۱۱ ژوئن گزارش می‌دهد مبنی بر این که محمدعلی خان در تپه‌های ۱۵ مایلی آباده می‌باشد. گفته می‌شود که او در شب نهم ماه جاری قصد حمله به شهر [آباده] را دارد اما تعداد زیادی از افراد وی به علت فرمانهای صولت‌السلطنه مبنی بر قذغن کردن شرکت آنان در حمله به شهر [توسط محمدعلی خان] اردو را ترک کرده‌اند.

صولت‌السلطنه اطلاعات مفیدی را به فرماندهی [بریگاد] آباده داده است و باور بر این است که وی بیشتر چنین کاری را برای واژگون کردن نقشه‌های محمدعلی خان انجام داده است.»^{۱۴}

در چنین شرایطی، مجاهدان آباده‌ای و اعضای حزب دمکرات آباده حفر تونلی را از قلعه نارنجی به سوی کاروانسرای اکبر زمانی (مقر هندیها) به طول ۷۰ متر آغاز می‌کنند.^(۲۰)

در همین زمان بریگاد آباده اقدام به خرید گندم، جو و حتی توت خشک می‌کرده و مازاد بر مصرف خود را در چاهی که در کاروانسرای اکبر زمانی (مقر هندیها) بوده، می‌ریخته‌اند و آتش می‌زده‌اند.^{۱۵ (۲۲)} بنابراین عملاً برای مردم آباده قحطی بوجود آوردند.

در روز ۱۵ ژوئن شیرازیها بازار را می‌بندند. صولت‌الدوله در مساجد شیراز حکم جهاد را برای مردم می‌خواند و روحانیان و دمکراتها در روز ۱۷ ژوئن دست به شورش می‌زنند.^{۱۶}

در همین روزها (۱۹ و ۲۷ ژوئن) گزارش می‌شود که سیم تلگراف شیراز به آباده به مدت شش روز است که قطع است.^{۱۷} سیم تلگراف آباده به اصفهان هم قطع بوده است.^{۱۸}

در گزارش ۲۷ ژوئن آمده است که «وفاداری افراد اسپیار مشکوک به نظر می‌رسد».

پیام وزیرمختار انگلیس به رئیس‌الوزراء

قافله‌ای که از اصفهان عازم شیراز و حامل پول بانک بوده، توسط محمدعلی خان قشقایی مصادره می‌شود. نتیجه گزارش‌های آباده و شیراز به سفارت بریتانیا در تهران، آن می‌شود که

جبهه جنگ آباده علیه پلیس جنوب

وزیرمختار انگلیس به رئیس‌الوزراء چنین بنویسد:

وضع آباده بد می‌شود و یک قریه را در شمال آباده محمدعلی خان گرفته و به مردم وعده می‌کند دولت [...] (۲۱) پول بانک را که در آباده است گرفته و به مردم تقسیم می‌کند. یک تلگراف به محمدعلی خان که سیورسات از مردم می‌گیرد تلگراف بشود ابدأ حق ندارد. و پست را زده و تلگراف را قطع کرده است حکومت از او جلوگیری نماید و رفتار

محمدعلی خان برخلاف دولت است. ۱۹ و ۲۰

رئیس‌الوزراء در این مورد به حاکم آباده تلگراف زیر را می‌نماید.

به حکومت آباده

تلگراف شما رسید و از قرار خبری که باز رسیده است محمدعلی خان یک قریه را در شمال آباده گرفته و از مردم سیورسات می‌گیرد و متعرض پست می‌شود و سیم تلگراف را هم قطع کرده است. این حرکات مشارالیه باعث سلب آسایش عمومی و نظم و مستلزم مسئولیت عمده، البته قدغن نمائید این اقدامات را موقوف کرده و از این اقدامات و گرفتن سیورسات جلوگیری نمائید و نتیجه را تلگراف کنید. اواخر رمضان از طرف

رئیس‌الوزراء (۲۲)

قیام سلطان کاظم خان

در این زمان سلطان کاظم خان شاملو از اسپیار، از فرصت استفاده کرده با ۲۰۰ نفر از افراد زیردست خود که ایرانی بودند به محمدعلی خان قشقای می‌پیوندند و مقر خود را باغ محمدعلی خان قرار می‌دهد. این افسر به نزد محمدعلی خان می‌رود و نقشه جنگی خود را مطرح می‌کند.^{۲۱}

نیروی اسپیار دور باغ محمدعلی خان را محاصره می‌کند و سیم خاردار می‌کشد اما سلطان کاظم خان محاصره را می‌شکند و نیروی خود را به قلعه نارنجی می‌برد و در حفر تونل شتاب می‌کند.^{۲۲}

نیروی اسپیار (اس. پی. آر S.P.R)

گزارشی در مورد مقدار نیروی اسپیار در آباده از این زمان از اسناد بریتانیا بدین صورت در دست است:

«در تلگرام شماره ۱۴۷ کی. مورخ ۲۶ ژوئن (دریافت در ۲۷ ژوئن) ۱۹۱۸- از فرماندهی آباده... پادگان آباده شامل شانزدهمین راجپوتها: دو افسر بریتانیایی و ۱۵۰ درجه‌دار دیگر.

سومین دسته سوار: سه افسر، ۴ مربی بریتانیایی، ۳۰۰ درجه‌دار ایرانی. سومین دسته پیاده نظام: شامل یک افسر بریتانیایی، سرمربی بریتانیایی و ۴۰۰ نفر ایرانی.

بخش آمبولانس صحرائی: شامل یک افسر بریتانیایی و گروه‌های الحاقی S و T. با ۳۰۰ رأس قاطر... (۲۳)

در طول جاده مجموع نیروها ۲۷۰ نفر هستند. مهمات ۲۷۰ هزار گلوله. ذخیره گندم برای تمام پادگان برای ده روز می‌باشد و افزودن بر آن جیره درجه‌داران هندی و افسران بریتانیایی برای یک ماه می‌باشد جو فقط برای چهار روز - اما خرمن جدید در حال درو است.»

موقعیت آباده

«محمدعلی خان قشقایی، سالار مظفر با حمله؛ آباده را طی دو هفته گذشته تهدید کرده است هر چند خودش را راضی کرده که به روستاها حمله کند و جاده را در ۲۳ مایلی جنوب آباده بسته است. هم اکنون او در حدود ۵۰۰ نفر نیرو در مرکز فرماندهی‌اش در ۲۱ مایلی جنوب آباده دارد. احتمالاً افرادش افزایش خواهند یافت و گزارش داده می‌شود که بویراحمدی‌ها به کمک وی خواهند آمد...»

امروز نقشه تسلیم شدن چندین پست [پاسگاه] مهم به دشمن کشف شد.»^{۲۳}

ورود محمدعلی خان

نیروی محمدعلی خان قشقایی از دروازه جنوب شهر که قبلاً اسم رمز شب توسط آقا کمال قضایی (۲۴) به نیروی محمدعلی خان داده می‌شود، وارد شهر می‌گردند.^{۲۴} وی با نیروهایش که ۸۰۰ نفر بوده‌اند^{۲۵} وارد قلعه نارنجی می‌شوند. محمدعلی خان در بدو ورود به آباده اعلامیه‌ای بدین مضمون صادر می‌کند که:

«دولت ایران او را مأمور ساخته تا خارجیان و کفار را بیرون کند.»^{۲۶}

آغاز و ادامه جنگ

محمدعلی خان روز بعد اعلامیه روحانیان فارس را تکثیر می‌کند و مهر خود را در زیر آن می‌زند و منتشر می‌کند که اخراج «قشون غیررسمی جنوب» هدف است.

وی رونقیه (مقر انگلیسی‌ها) را محاصره می‌کند و هفت روز محاصره ادامه دارد.^{۲۷} از آن سوی مجاهدان و نیروی محمدعلی خان تلاش می‌کنند که از راه تونل به پادگان

جبهه جنگ آباده علیه پلیس جنوب

هندیها رخنه کنند که نیروی مستقر در آن متوجه می‌شوند و با آتش زدن پارچه و پتو و قرار دادن در دهانه تونل راه آن را مسدود می‌کنند.^{۲۸}

پلیس جنوب برای شکستن محاصره، دو گلوله توپ، یکی به دیوار مسجد جامع آباده شلیک می‌کند که حدود ۲/۵ متر فرو می‌رود و دیگری به برج وسط دیوار غرب قلعه میرپنج که آن را تخریب می‌کند.

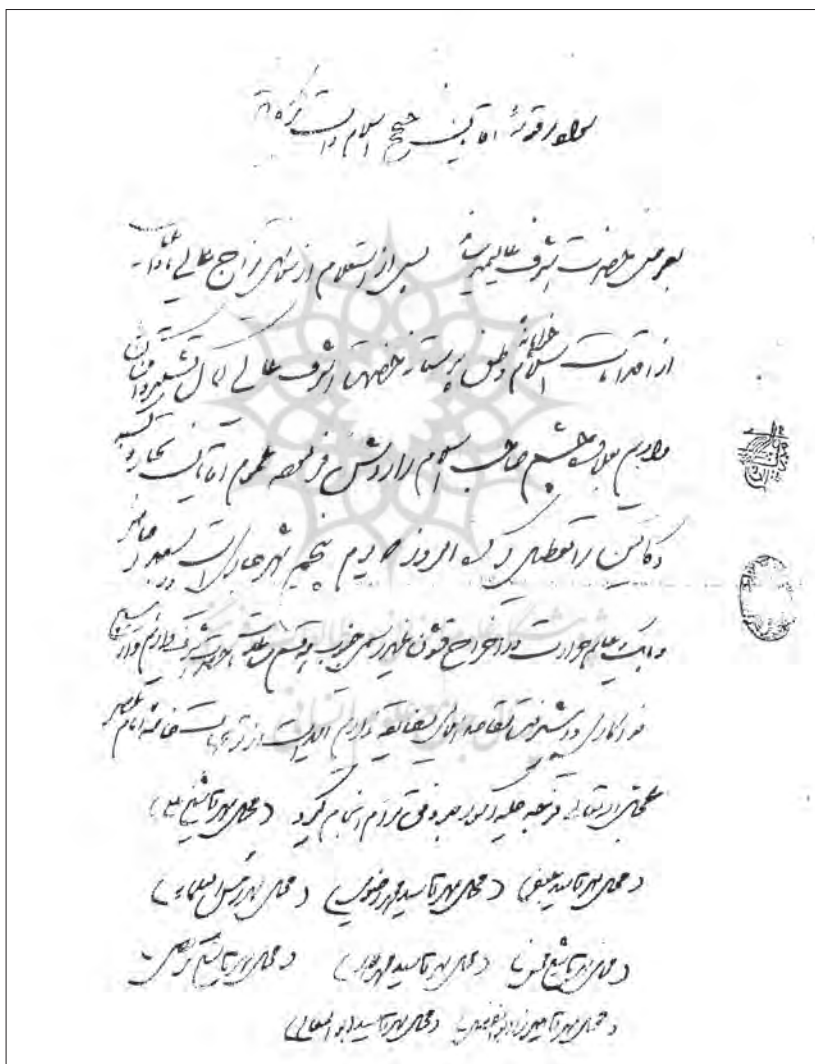
ضمناً پلیس جنوب قانون زمان جنگ را رعایت نمی‌کرده‌اند و افراد غیرنظامی‌ای که در شهر و از فراز تأسیسات خود می‌دیده‌اند، می‌کشته‌اند و حتی دیوانگان را.^{۲۹}

سواد مرقومه آقایان حجج اسلام دامت برکاتهم

بعرض حضرت اشرف عالی می‌رساند پس از استعلام از سلامتی مزاج عالی... از اقدامات اسلام خواهانه و وطن پرستانه حضرت اشرف عالی کمال تشکر و امتنان را داریم بعلاوه چشم صاحب اسلام را روشن فرموده عموم آقایان تجار و کسبه دکانین را تعطیل کرده امروز که یوم پنجم شهر جاری است... حاضر و با یک عالم حرارت در اخراج قشون غیر رسمی جنوب همه قسم مساعدت با حضرت اشرف داریم و از هیچ فداکاری در پیشرفت مقاصد اسلامی مضایقه نداریم امید است از توجهات خاصه امام عصر عجل الله تعالی فرجه کلیه امور وفق مرام انجام گیرد. (محل مهر آقا شیخ علی) (محل مهر آقا سید جعفر) (محل مهر آقا سید محمد رضوی) (محل مهر رئیس العلماء) (محل مهر آقا شیخ محسن) (محل مهر آقا سید محمد طاهر) (محل مهر آقا شیخ مرتضی) (محل مهر آقا میرزا ابوالفضل) (محل مهر آقا سید ابوالمعالی)

فصلنامه مطالعات تاریخی

رونوشت اعلامیه آقایان علماء و روحانیان شیراز علیه پلیس جنوب منتشره در آباءه:
 آفایشخ علی، آفایشخ جعفر، رئیس العلماء، آفایشخ محسن، آفایشخ محمدطاهر، آفایشخ مرتضی،
 آفامیرزا ابوالفضل و آفایشخ ابوالمعالی
 مهور به مهر امیرعشایر (تاریخ مهر ۱۳۳۶) و مهر محمدعلی قشقایی (اصل سند از
 مجموعه خصوصی دکتر کریم واعظزاده)



جبهه جنگ آباده علیه پلیس جنوب

کمیته نادری

از روز آغاز جنگ اعضای حزب دمکرات آباده و افسران ایرانی اسپیار کمیته‌ای به نام کمیته نادری تشکیل می‌دهند و کنترل شهر آباده را در دست می‌گیرند.^(۲۶) پاره‌ای از اعضای این کمیته سلطان کاظم خان شاملو و سلطان لطیف‌خان، اکبرخان صغاری^(۲۷) (کلانتر صفاء) و عده‌ای دیگر از حزب دمکرات تشکیل دهنده این کمیته بوده‌اند. کمیته نادری مالیات را گردآوری می‌کند، آذوقه را توقیف می‌نماید که به دست دشمن نیفتد. این کمیته همچنین افراد طرفدار اسپیار را شناسایی و جریمه کرده است و معاون حاکم آباده به نام عطاءالدوله از ترس مجازات کمیته نادری از شهر آباده فرار می‌کند.

باز هم پیروزی

در شب نوزدهم ماه رمضان ۱۳۶۶، سلطان کاظم خان و ۲۰۰ نفر از نیروهای محمدعلیخان به قسمت ایرانی بریگاد اسپیار حمله می‌کند، آنجا را تسخیر می‌نماید، ۲۰۰ نفر اسیر می‌گیرد و بقیه فرار می‌کنند.

۳۵

نتیجه این حمله آن می‌شود که هر آباده‌ای که در اسپیار عضو بوده با فراریان بدین صورت همراه می‌شوند که حقوقشان را که روز قبل گرفته بودند، در کفش‌های خود جاسازی می‌کنند و بند کفش‌هایشان را به هم گره می‌زنند و به گردن آویزان می‌کنند، چهار دست و پا روی زمین می‌خزند تا از تیررس گلوله دور شوند. اینان ابتدا به روستای جزمودق (Jazmudag)، بعد به درغوک (Dergouk) (۲۸) و سپس به همت آباد و از آنجا به مسجد جامع آباده که مردم در حال احیاء و دعای جنگ بوده‌اند می‌روند.^{۳۰}

سایکس می‌نویسد، چهار روز اول محاصره «وحشت و اضطراب [حکمرما] و وضعیت آنها [اسپیار] خیلی وخیم بود.^{۳۱} در اسناد بریتانیا هم گزارشی این چنین وجود دارد: «۲۹ ژوئن - از کرمان - گزارش فرماندهی آباده، شماره ۲۳۰ کی، مورخ ۲۸ ژوئن. [پادگان] آباده تقریباً محاصره است. وضعیت اسپیار خیلی بد است و از حرکت مهاجمان جلوگیری به عمل می‌آید.»^{۳۲}

عملیات قهرمانانه

اسکادران سوار اسپیار در کاروانسرای عباس‌خانی مستقر بوده است. سه نفر صاحب‌منصب انگلیسی بر بالای پشت‌بام دو آشکوبه‌ای آن دیده‌بانی می‌کرده‌اند. پس از مدتی پائین

می‌روند.

پنج نفر آباده‌ای به نام‌های:

۱. ولی‌الله خان

۲. اسد بیگ

۳. استاد احمد نعل‌بند

۴. اکبر اُتل ماجر

۵. علی کوچول (عضو سابق اسکادران آباده که فرار کرده بوده است. بعدها با نام خانوادگی گازری) به پاسدار خانه اسکادران سوار حمله می‌کنند و هر سه را می‌کشند که مغز آنان تا مدت‌ها روی دیوار آنجا دیده می‌شده است.^{۳۳}

حمله برای تسلیم شدن

در روز دوم ژوئیه ۱۹۱۸ سلطان کاظم خان و سلطان لطیف خان آب نهرهای مزرعه کشک (Keshek)، مزرعه (۲۹) و حومه را در یک نهر می‌کنند و به خندق پشت رونقیه (مقر انگلیسیها) رها می‌کنند تا افراد بریگاد تسلیم شوند. ضمناً نیروهای این دو سوار در پشت خندق سنگر می‌گیرند تا با سقوط رونقیه آماده حمله باشند.

دیوار سمت شمالی رونقیه در اثر نفوذ آب سقوط می‌کند.

یکی از افراد ایرانی اسپیار که آباده‌ای بوده و از فرقه ضاله بهایی به نام سیدآقا اعلاپی و سمت مترجمی فریزر، فرمانده تأسیسات اسپیار در آباده، را داشته با تمام قوا در خدمت اسپیار و مخالف شدید مجاهدان آباده‌ای و نیروهای محمدعلی خان بوده است. همه مردم از خیانت وی صحبت می‌کنند و می‌گویند مشوق پنج کاپیتان انگلیسی اس.پی.آر بوده است.

در این حال که دیوار می‌شکند، سیدآقا اعلاپی، کاپیتان گوین گرفت را تشویق به تعمیر دیوار می‌کند. وی از دروازه رونقیه بیرون می‌آید در حالی که در یک دست تفنگ و در دست دیگر ده تیر داشته و مدام تیراندازی می‌کرده‌اند، همراه او گروهبان ال. بارنز بوده است، گرفت آواز می‌خواند و به سوی دیوار شکسته می‌رود و برای تعمیر مشغول می‌شود.

در این بین اسد بیگ، تفنگ خود را هدف می‌گیرد و آتش می‌کند. گلوله به ران گرفت فرو می‌رود، دستش را در جای گلوله می‌گذارد که وی را به داخل رونقیه می‌برند.^{۳۴} فریزر به کمک این دو می‌آید تا دیوار را تعمیر کند.^{۳۵} (۳۰)

در اسناد بریتانیا آمده است که:

«نهم ژوئیه فرماندهی آباده (در دوم ژوئیه ۱۹۱۸) گزارش می‌دهد که اکثریت افراد

جبهه جنگ آباده علیه پلیس جنوب

اسپیار شورش نموده و فرار کرده‌اند و این پست [پادگان] توسط ۵۰۰ نفر قشقایی زیر نظر محمدعلی خان قشقایی محاصره شده است.

سلطان کاظم خان، از اسپیار، رهبری شورش را به عهده دارد و به سوی درجه داران و افسران طرفدار بریتانیا تیراندازی کرده است.

درجه داران بریتانیایی، گروههای هندی و ۲۵ نفر وفادار به اسپیار پست دفاعی را اشغال کردند و دشمن را مورد حمله قرار دادند. موفقیت [پادگان] ضعیف است و مشکل بتوان آن را نگاه داشت. [یعنی احتمال از دست دادن وجود دارد]

[فرماندهی] آباده گزارش می‌دهد که کاپیتان گوین گرفت به علت جراحات وارده در گذشته است و کاپیتان ویتنر مجروح شده است. دو نفر از راجپوتها کشته و دو نفر هم زخمی شده‌اند. دو مورد وبا هم در میان راجپوتها مشاهده شده است.

[پادگان] آباده ذخیره [خوراک و غله] و مهمات کافی برای یک ماه دارد»^{۳۶}

نامه برای تسلیم شدن

با این موفقیت‌ها، محمدعلی خان قشقایی نامه‌ای در این روز به ماژور دلبلیو. ای. کی.

فریزر این چنین می‌نویسد:

«مغلوبیت شما مسلم. برای حفظ نفوس به موجب قوانین جنگی به شما پیشنهاد می‌نمایم چنانچه تسلیم شوید موافق قانون اسارت با شما رفتار خواهد شد. عطا قشقایی» [محل امضاء و مهر صولت السلطنه]

[حاشیه] «ظاهر است این نوشته راجع به من نیست معلوم می‌شود که مخاطب دگری باشد.

دلبلیو. ای. کی. فریزر» [محل امضاء]^{۳۷}

نامه بالا بدون تاریخ می‌باشد اما در سالنامه فرهنگی^{۳۸} همان نامه به صورت زیر آمده است:

«خدمت جناب جلالت‌مآب عالی مقام آقای ماژور فریزر:

مغلوبیت شما مسلم. برای حفظ نفوس به موجب قوانین جنگی به شما پیشنهاد می‌نمایم چنانچه تسلیم شوید موافق قانون اسارت با شما رفتار خواهد شد.

تاریخ ۲۱ رمضان المبارک ۱۳۳۶، صولت السلطنه محمدعلی قشقایی»

به نظر می‌رسد نامه اول پیش نویس نامه دومی بوده است چون بعید می‌نماید که چنین

نامه‌هایی تاریخ نداشته باشد. فریزر چنین پاسخ می‌دهد:

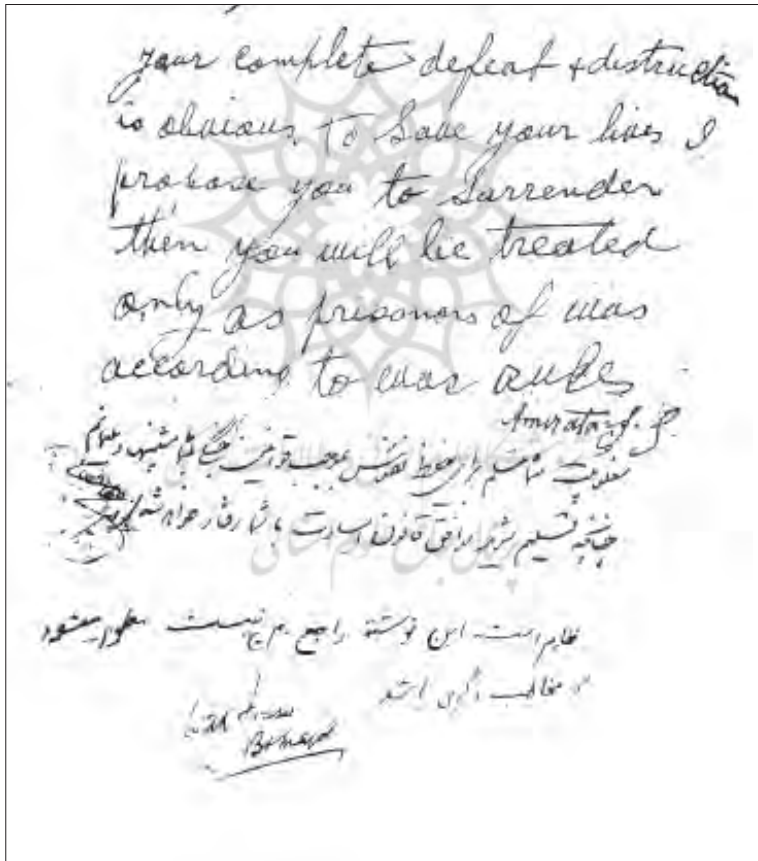
«خدمت جناب مستطاب اجل عالی، آقای امیر عشایر دام اجلاله

از مرحمت عالی که همیشه مقرون به دوستی صمیمی که به کرات اظهار شده است

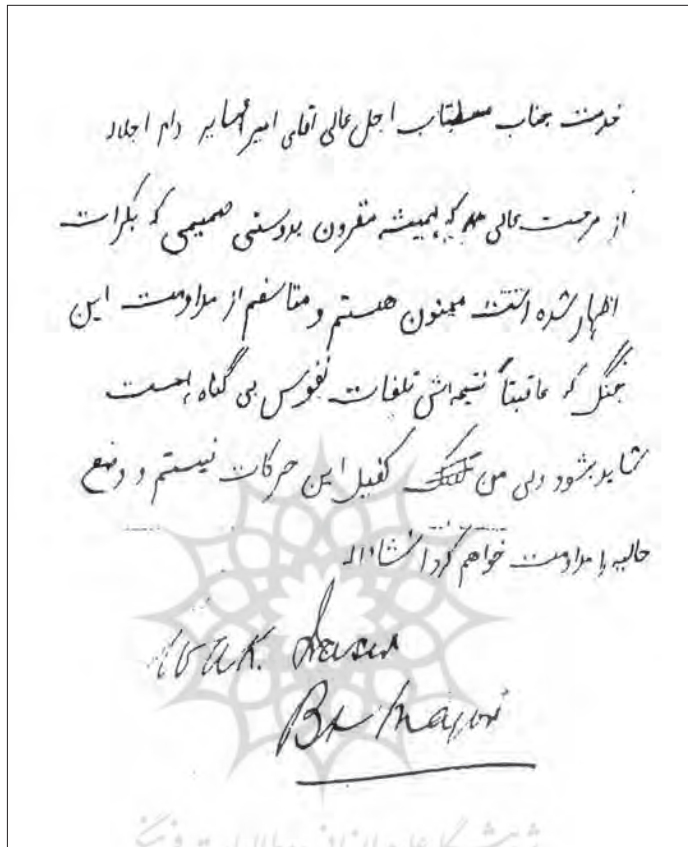
مختصرنامه مطالعات تاریخی

ممنون هستم و متأسفم از مداومت این جنگ که عاقبتاً نتیجه‌اش تلفات نفوس بی‌گناه هست. شاید بشود. ولی من کفیل این حرکات نیستم و وضع حالیه را مداومت خواهم کرد. انشاءالله دلبلیو. ای. کی. فریزر [محل امضا]^{۳۹}

در کلیه اسناد و مدارک منتشر شده از رابطه دوستی فریزر و محمدعلی خان بحثی نشده است و متن آن بسیار آرام است. نسخه دیگری از این نامه موجود است که این چنین است:
 «حضور حضرت مستطاب اجل آقای امیرعشایر دام اقباله
 از لطف حضرتعالی متشکر. این که پیشنهاد تسلیم شدن کرده‌اید که بعداً مطابق قانون اسارت رفتار خواهد شد متشکرم ولی قانون نظام اجازه نمی‌دهد. جنگ را ادامه خواهم داد انشاءالله.
 ماژور فریزر^{۴۰}»



صورت‌السلطنه به ماژور فریزر، بدون تاریخ^{۴۱}



ماژور فریزر به صولت السلطنه، بدون تاریخ^{۴۳}

رخدادهای بعدی

نیروهای مجاهدین همچنان موقعیت را حفظ کرده‌اند. اسپیار هنوز محاصره است. در گزارش نهم ژوئیه که در پیش آمد، نوشته شده است که:

[فرماندهی آباده] «تقاضا کرده که در صورت امکان کمک فرستاده شود و تا موقعیت گرانبها است خدمتی به گروهها بکند.

ساعت چهارونیم بعدازظهر - فرامینی برای ستونی از گروههای هندی و اسپیار و نیروی تحت فرمان سرهنگ دوم ویلیامز (Williams)، فرمانده بریگاد فارس صادر شده تا در ساعت چهار بامداد روز دهم [ژوئیه] برای نجات نیروی اسپیار در ده بید و آباده حرکت کنند.»^{۴۳}

حادثه ناگوار

از نهم ژوئیه که فرماندهی آباده تقاضای کمک می‌کند و... نیروی ۱۲۰۰ نفره در روز دهم ژوئیه به سوی آباده حرکت می‌کند و ساعت شش بامداد ۱۷ ژوئیه به آباده می‌رسد، در این خلال محمدعلی خان قشقایی وبا می‌گیرد و پزشک معالج وی دکتر خان آگاه که از فرقه ضاله بهایی بوده با سم استرکینین به صورت مخفی وی را می‌کشد.^{۴۴} اما مجاهدان همچنان به جنگ ادامه می‌دهند و با انتشار وبا در میان مجاهدان، با ورود نیروی اسپیار همه دست از جنگ می‌کشند. نیروهای محمدعلیخان آباده را ترک می‌کنند و بقیه مخفی می‌شوند. کاظم خان با نیروی ۲۰۰ نفره خود به سمیرم می‌رود.^{۴۵}

کنترل شهر توسط اسپیار (اس. پی. آر S.P.R)

فردای روز ورود نیروی اسپیار دستور غارت تمام خانه‌ها و مغازه‌ها را صادر می‌کنند. محمدحسین وفا، یکی از بزرگان بهایی‌ها، در سال ۱۳۶۰ برایم تعریف کرد که سید آقا علایی به ما دستور داده بود روی در خانه‌هایمان (یعنی خانه تمامی بهایی‌های آباده) با زغال علامت ضربدر بزنیم تا از غارت مصون باشیم اما سربازان هندی متوجه ضربدرها نمی‌شوند و خانه آنها را هم غارت می‌کنند.

سیدآقا علایی ۱۶۸ نفر را زندانی می‌کند. راوی مطالب زندانیان، پدر راقم این سطور، اسدالله صداقت کیش^{۴۶} که زندانی بوده می‌باشد:

- ۲۶ ساعت اولیه آنها را بدون غذا نگه می‌دارند و بازجویی نمی‌کنند.
- آنها را بیست نفر بیست نفر برای قضای حاجت با گروه بی‌شماری محافظ می‌برده‌اند.
- نخستین نفر برای بازجویی عبدالله حاج اسماعیل (بعدها با نام خانوادگی باقی) بوده است. سیدآقا علایی بازجو بوده است. ضمناً عبدالله حاج اسماعیل نامه‌هایی را که اسپیار توسط شخصی به نام کربلایی حاج محمد می‌فرستاده از پاشنه گیوه و کفش وی کشف می‌کرده و به مجاهدین می‌داده است. با تازیانه او را می‌زنند، خون از دهانش بیرون می‌ریزد.
- بعد از ظهر سیف‌الله (بعدها با نام خانوادگی صدری) چهار کاپیتان و یک گروهان محاکمه می‌کنند. سیف‌الله چاق بوده و از او می‌پرسیده‌اند اسکادران را چه کسی غارت کرده و او پاسخ نمی‌داده و شروع می‌کنند به تازیانه زدن که با تازیانه سومی غش می‌کند و سرانجام می‌گوید سلطان کاظم خان غارت کرد.

- حسن آخاله (بعدها معتمد)، یکی از بزرگان آباده که در خانه‌اش نامه محمدعلی خان قشقایی پیدا می‌شود، پیرمرد بوده و بسیار محترم - تمام زندانیان برای او گریه می‌کنند. او را

جبهه جنگ آباده علیه پلیس جنوب

چهار هزار تومان جریمه می‌کنند. او ۶۰۰ تومان زیادت‌تر می‌دهد تا تازیانه نخورد. (۳۱)
- آقایوسف‌خان (بعدها با نام خانوادگی دهقان) را سه هزار تومان جریمه می‌کنند. (۳۲) و (۳۳) ۴۷
در اسناد بریتانیا نام هشت نفر آباده‌ای مجاهد آمده است که نامشان در لیست سیاه می‌باشد. از
میان توقیف‌شدگان قاضی (رئیس حزب دمکرات) و برادرش عمیدالاسلام که از سران حزب
دمکرات بوده، به شیراز می‌برند که اولی در سعادت شهر در می‌گذرد و در امامزاده آنجا به خاک
می‌سپارند. افزون بر اینها امیر دیوان (پدر سلطان کاظم‌خان) و علی اصغر (واعظزاده) منشی
تلگرافخانه ایرانی آباده که تمامی اعلامیه‌های ضد اسپیار به خط وی بوده به شیراز می‌برند.

آخرین گزارشها

در اسناد بریتانیا از آخرین وقایع و نیز تلفات دو طرفه جنگ چنین آمده است:
«۱۹ ژوئیه [۱۹۱۸] سرهنگ ویلیامز در تاریخ ۱۷ ژوئیه گزارش می‌دهد که ستون وی، در
همان روز صبح، ساعت شش به حدود آباده رسیده‌اند. پیشروی ستون [مزبور] تا سورمق،
جایی که اخبار در بعدازظهر ۱۶ ژوئیه به دشمن می‌رسید، مخفی نگاه داشته شد. تمام
شورشیان اسپیار و سرحدی‌ها آن شب آباده را ترک کردند و ستون [مذکور] بدون مخالفت
وارد آباده شد. موقعیت پادگان آباده خوب است. خط تلگراف بین سورمق و آباده و
شوگلستان کلاً خراب و قطع است.»

۴۱

دفتر تلگراف [انگلیسی‌ها] در آباده تمام خراب شده و تمام وسایل آن دزدیده شده است.
تمام روستائیان حومه شهر [آباده با ما] مخالفت می‌ورزیدند و فقط بهادردیوان (۳۴) [نسبت
به ما] وفادار مانده بود. [تمام روستا و شهرها] برای [پیدا کردن] اموال دولتی به طرز
موفقیت‌آمیزی مورد بازرسی قرار گرفته است. گروههای ستون [ما] علیرغم این که حدود
۱۸۰ مایل را در ۱۶۹ ساعت پیموده‌اند، بسیار خوب هستند.

۲۰ ژوئیه - مجروحان آباده عبارت بودند از سرهنگ گوین گرفت از آر.ای. (R. E) که
وی به علت جراحت در گذشته است. گروهبان بتل (Battle) از نخستین خط جنوب که به
علت بیماری وبا درگذشت. کاپیتان وینتر و ژنرال لیست (List) زخمی شدند.
کورپرال ایوانز (Corperal Evans) در اثر ابتلاء به وبا در ده‌بید مرد. تلفات دشمن حدود
۵۰ نفر شورش‌ی اسپیار و ۱۰۰ نفر قشقای کشته شده‌اند.

تفنگچی‌های محلی در جاده آباده به کار گمارده شده‌اند اما مشاهده می‌شود که در حال
حاضر مخالفتی با گروههای هندی آنجا [آباده] وجود دارد. ناامنی جاده اساساً به دولت ایران
و بازرگانان ایرانی تأثیر خواهد گذاشت. ۴۸»

« ۲۱ ژوئیه: سرهنگ ویلیامز وصول دستورات صادره را اعلام کرده است. در بیست و یکم ماه جاری گزارش می‌شود که وضعیت ناحیه آبادیه فوق‌العاده بد است، رفتار مردم [آبادیه] خصوصاً آمیز است اما موقعیت [ما] عملاً رضایتبخش است. [تعدادی] دستگیر شدند و اکثر جاها مرتب و منظم شده است. چهار نفر از مهمترین دستگیرشدگان به شیراز آورده شدند. به نظر می‌رسد که سرهنگ ویلیامز تا وقتی که وضع به طور مناسبی سروسامان یابد، نایستی آبادیه را ترک کند. [وی] مقدمات حفاظت از بهادر دیوان (جانشین موقتی حاکم) که متصدی تمام مالیاتها از آبادیه تا خان خوره [بین آبادیه و ده‌بید] می‌باشد، فراهم آورده است. در غیر اینصورت جان وی به خطر خواهد افتاد. همه [مردم آبادیه] مخالف او هستند زیرا نسبت به بریتانیا وفادار مانده است. یکصد نفر از تفنگچی‌های وی برای آبادیه، ۴۰ نفر برای سورمق و ۱۲ نفر برای خان خوره تعیین شده‌اند.»^{۴۹}

گزارشها و مطالب بیشتری در مورد جبهه آبادیه وجود دارد که در اینجا به همین مقدار بسنده می‌کنم و در آینده به صورت کتاب مستقلی منتشر خواهم کرد.

علل شکست جبهه آبادیه

۴۲

۱. بروز وبا- همزمان در جبهه جنگ آبادیه، وبا انتشار می‌یابد اغلب مجاهدان نیروی محمدعلی‌خان قشقایی راه خانه‌های خویش در سرحد چهاردانگه و غیره پیش می‌گیرند. در اسناد بریتانیا مورخ ۲۰ ژوئیه چنین آمده است: «وبا خیلی شدید است. دو افسر انگلیسی از وبا مرده‌اند. ذخیره واکسن وبا تمام شده است.»

با توجه به این که اسپیار با آن همه تجهیزات، بیمارستان، بیمارستان صحرائی، پزشک و واکسن ضد وبا داشته‌اند و در گزارش خود نالیده‌اند، مجاهدان جبهه آبادیه بدون بیمارستان و سایر تجهیزات، آیا راهی غیر فرار داشته‌اند؟

۲. مرگ فرمانده- در این جبهه، محمدعلی‌خان قشقایی در می‌گذرد. بنابراین در جنگهای نامنظم عشایری و غیرعشایری با مرگ فرمانده و از هم پاشیدن نیروهای وی، جنگ با شکست روبرو می‌شود.

۳. عدم توازن قوا- دو طرف جنگ از لحاظ تسلیحات با هم نابرابر بودند. مجاهدان ایرانی فقط تفنگ‌های مووزر (mausers) داشته‌اند در حالی که اسپیار با تجهیزات کامل مهم‌ترین ارتش آن روز دنیا، تنها چیزی که مجاهدان در آن برتر بوده‌اند نیروی ایمان قوی به دین و وطن خود بوده است.

۴. خیانت افراد فرقه ضاله بهایی که نمونه آنها مترجم اسپیار و پزشک معالج محمدعلی‌خان

جبهه جنگ آباده علیه پلیس جنوب

قشقایی را در این مقاله ذکر کردیم.

۵. خیانت عده‌ای ایرانی - چه به عنوان جاسوس و چه به عنوان دوستدار بریتانیا.

توضیحات

۱. سازمان پلیس جنوب، تعدادی کارگزار و نماینده (agent) در مناطق مختلف و بین مردم داشته که کار خبرگیری و جاسوسی را انجام می‌داده‌اند و تا این لحظه اسامی آنها را منتشر نکرده‌اند.

۲. این اسم در اسناد بریتانیا آمده است با تلفظ Yungiabad در فرهنگ‌های فارسی چنین نقطه جغرافیایی نداریم.

۳. احتمالاً بین شهرضا و اصفهان دو پاسگاه اسپیار بایستی بوده باشد که از آنها آگاهی نداریم.

۴. اطلاعات کد رمز اعضای حزب دمکرات برای نخستین مرتبه در این مقاله مطرح می‌شود.

۵. گمان بر این می‌رود که شعبه آباده زیر نظر شعبه شیراز بوده است.

۶. اقدامات حزب دمکرات شعبه آباده پس از پلیس جنوب، اعلام نامزدی علی اکبر واعظزاده برای مجلس شورای ملی که با داشتن اکثریت آرا، طبق دستور تهران، دیگری سر از صندوق بیرون می‌آورد و نیز اعلام نامزد دیگری که انتخاب می‌شود. ر.ک: نمایندگان آباده در مجلس شورای ملی اثر اینجانب.

۷. خانم اسم او بوده و حرف «ی» در آخر نام او را معرفی کرده است. شیرین نام مادرش بوده است.

۸. روستایی در شمال شهر آباده که اینک محله‌ای از شهر است.

۹. Kal مخفف کربلایی.

۱۰. روستایی در ۲۰ کیلومتری جنوب آباده بر سر راه آسفالته امروزی آباده به شیراز.

۱۱. در مقاله: «گپی در راه کوچ» [نامه نور، شم ۴ و ۵، ۱۰ آذر ۱۳۵۸: ۵۱ می‌نویسد: «[او] ۱۷ فرسخ راه را بی‌آذوقه و آب یکسره دوید تا خبر را به قشقایی‌ها برساند. او بعدها نشانه مقاومت و جوانمردی گردید.»

۱۲. بیراهه برای این که پاسگاه‌های پلیس جنوب او را توقیف نکنند ضمناً وی نامه را در زیر پیش پنجه (مثلثی بافتنی از جنس رویه گیوه) قرار می‌دهد بدین صورت که پیش پنجه را می‌شکافد، نامه را در آن قرار می‌دهد و می‌دوزد.

۱۳. از سرحد چهاردانگه.
۱۴. گزارش‌های این گروه فراریان در این اسناد متفاوت است. در جایی دیگر هفت نفر ذکر کرده است.
۱۵. درباره فرار سربازان مطالب بیشتری است که امید در کتابی همه مسائل را مطرح کنم.
۱۶. منظور نوایگانی می‌باشد. نوایگان یکی از روستاهای داراب می‌باشد و نماینده لاری در غرب فارس در آنجا مقیم بوده است.
۱۷. ایل عرب خمسه فارس.
۱۸. ایل فارس زبان شمال‌نیریز که بین آباده طشک و چهارراه (کره‌ای) سر جهان سرحد گرمسیر زندگی می‌کرده‌اند.
۱۹. هر دو روحانی بوده‌اند.
۲۰. تا حدود سال ۱۳۴۵ در دو کوچه هنوز قسمتی از این تونل باقی بود.
۲۱. راوی، فرزند اکبر زمانی صاحب کاروانسرای مفر هندیها بود.
۲۲. تاریخ این نامه روز را مشخص نکرده اما نوشته آخر رمضان ۱۳۳۶.
۲۳. رکن‌زاده آدمیت [ج ۴۵۵: ۱۳۴۵، ۲] ۷۰۰ نفر، فلور اسفیری (۱۳۶۴-۲۴۵-۲۴۴) [۲۴۴-۶۰۰ نفر کل افراد اسپیار در آباده را ذکر می‌کنند که نادرست است.
۲۴. پدر و عموهایش جزو حزب دمکرات بوده است. احتمالاً خودش هم عضو بوده است.
۲۵. در آن سال به دلیل جو انقلاب این آقا کمال قضایی می‌ترسید مصاحبه کند.
۲۶. مابری [۱۳: ۴۳۵-۴۲۲] می‌نویسد کنترل بخشی از آباده را به دست می‌گیرند که نادرست است.
۲۷. در کتاب فلور اسفیری [۱۳۶۴: ۲۴۵] نوشته «اکبرخان سوقاتی» که تردیدی نیست اشتباه مترجمان کتاب می‌باشد.
۲۸. روستای جزمودق در شمال شرقی شهر آباده و آن دوی دیگر در شمال آباده قرار داشته‌اند و اینک جزو شهر می‌باشند، حدود ۹ کیلومتر آن شب این فراریان راه طی می‌کنند.
۲۹. نام آن مزرعه هنوز به همین نام باقی مانده در حالی که روستا شده است.
۳۰. دنیس رایت [تهران: ۱۳۵۸: ۱۶۷] می‌نویسد که یک افسر انگلیسی و دو افسر ایرانی بریگاد در این حمله کشته می‌شوند.
۳۱. در اسناد بریتانیا جریمه وی را سه هزار تومان ذکر کرده است.
۳۲. جریمه وی را هم دو هزار تومان نوشته است. شک ندارم که مابه‌التفاوت را بازجویان برای خودشان برمی‌داشته‌اند. سیدآقا علایی در خانه‌اش از پدرم ۳۰ تومان می‌گیرد.

جبهه جنگ آباده علیه پلیس جنوب

۳۳. این موقعیت فرصتی می‌شود برای افراد اسپیار که مردم را تیغ بزنند.
۳۴. وی کدخدای سورمق بوده و با تفنگچی‌هایش از نیروی کمکی اسپیار به آباده استقبال می‌کند. صدری [نامه ۱۳۶۶/۱۰/۱۰] می‌نویسد که بهادر دیوان نماینده قوام‌الملک بوده است. من سند و مدرکی در این مورد ندارم.

فهرست منابع و مآخذ

کتاب

- انجمن سالانه دبیرستان سعدی، سالنامه فرهنگی، آباده: دبیرستان سعدی، ۱۳۳۰.
- رکن‌زاده آدمیت، فارس و جنگ بین‌الملل اول، تهران: اقبال، ج ۲، ۱۳۴۵.
- سایکس، پرسبی (سر)، تاریخ ایران، ترجمه فخر دائمی گیلانی، تهران: علمی، ج ۳، بی تا.
- نصیری طیبی، منصور، نبرد قشقایی‌ها با انگلیسی‌ها در جنگ جهانی اول به روایت اسناد، شیرازک، بنیاد فارس‌شناسی، ۱۳۸۹.

۴۵

مقاله

- «گپی در راه کوچ» نامه نور، شماره ۴ و ۵، ۱۰ آذر ۱۳۵۸، ص ۵۱.

اسناد

- Notes from War Diaries, Part DV. South Persian Rifles, Persia, General Staff, Army Headquarters, India, September 1918, Serial No 7/2093, Wo 160/940, Ve/A/044709
- Notes from War Diaries, Part VII, South Persian Rifles, Persia, General Staff, Army Headquarter, India, September 1918, serial number 17/2097, Wo. 106, VC/A/044709
- Notes from War Diaries, Part DXXIX, South Persian Rifles, General Staff, Army Headquarters, 940, XC/A/048802
- اسناد آرشیو قدیمه وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، کارتن ۴۸، پرونده ۱۴، نامه شماره ۱۳۹۷ مورخ ۱۶ شعبان ۱۳۳۶ و نامه شماره ۱۱۷۱، ۱۵ رجب ۱۳۳۶
- مجموعه خصوصی نامه‌های علی‌اکبر واعظزاده، نمونه فرم چاپی چاپخانه احمدی از سال ۱۳۳۵ ه.ق.
- نامه حسین صدری مورخ ۱۳۶۶/۱۰/۱۰.

مصاحبه

- زمانی، مهدی، ۶۵ ساله، فرزند مالک کاروانسرای مقرر هندیها، تاریخ مصاحبه: ۱۳۵۸/۱۲/۱۶.
- صداقت کیش، اسدالله، ۸۳ ساله، زندانی اسپیار، تاریخ مصاحبه ۱۳۵۳/۵/۱۱.

پانوشتها

* پژوهشگر تاریخ معاصر ایران.

1- [Vc/044709,p.2].

۲- همان: ۶.

۳- سایکس، پرسى (سر)، بی تا، ج ۲، ص ۷۱۲.

۴- صداقت کیش، اسدالله، ۱۳۵۳/۵/۱۱.

۵- صدری، حسین، نامه ۱۳۶۶/۱۰/۱۰.

۶- نصیری طیبی، منصور، شیراز، ۱۳۸۹، ص ۳۸.

7- WO 106/940,VC/A/044709,P.9.

8- Ibid, p.3.

۹- سایکس، پرسى (سر)، بی تا، ج ۲: ۷۱۸.

10- Ibid, p.3.

11- Ibid, p.4.

12- Ibid, p.25.

۱۳- وزارت خارجه، کارتن ۴۸، پرونده ۱۴، نامه شماره ۱۳۹۷، مورخ ۱۶ شعبان ۱۳۳۶.

۱۴- وزارت خارجه، کارتن ۴۸، پرونده ۱۴، نامه شماره ۱۳۹۷، مورخ ۱۶ شعبان ۱۳۳۶.

15- Ibid, p.14.

16- Ibid, p.17.

17- Ibid, p.18.

19- Ibid, pp.18-19.

20- Ibid, pp.19-23.

21- Ibid, p.33.

۲۲- نصیری طیبی، منصور، ۱۳۸۹، ص ۱۳۵.

۲۳- صدری، حسین، نامه ۱۳۶۶/۱۰/۱۰.

24- Ibid, p.15.

۲۵- مصاحبه در تابستان ۱۳۶۰.

۲۶- رکن زاده آدمیت، ج ۲، ۱۳۴۵، ص ۴۴۶.

۲۷- سایکس، همان، ص ۷۸۰.

۲۸- سایکس، همان، ص ۷۸۲.

۲۹- صداقت کیش، اسدالله، ۱۳۵۳/۵/۱۱.

جبهه جنگ آباده عليه پليس جنوب

۳۰- صداقت کيش، اسدالله، تاريخ مصاحبه: ۱۳۵۳/۵/۱۱.

۳۱- سايکس، همان، ص ۸۵۰.

32- Ibid, p. 93.

۳۳- صداقت کيش، اسدالله، تاريخ مصاحبه، ۱۳۵۳/۵/۱۱.

۳۴- صداقت کيش، اسدالله، تاريخ مصاحبه ۱۳۵۳/۵/۱۱.

۳۵- سايکس، همان، ص ۷۸۱.

36- Ibid, p. 23.

۳۷- «مجموعه اسناد ملک منصورخان قشقايبی» به نقل از: نصيری طبيبی، منصور، شيراز، ۱۳۸۹، ص ۱۳۶.

۳۸- آباده، ۱۳۳۰، ص ۱۶.

۳۹- «مجموعه اسناد ملک منصورخان قشقايبی» به نقل از: نصيری طبيبی، منصور، شيراز، ۱۳۸۹، ص ۱۳۶.

۴۰- سالنامه فرهنگي، آباده؛ ۱۳۳۰، ص ۱۶.

۴۱- برگرفته از نصيری طبيبی، ص ۲۰۵.

۴۲- برگرفته از همان، ص ۲۰۴.

43- Ibid, p. 28.

۴۴- صداقت کيش، اسدالله، تاريخ مصاحبه: ۱۳۵۳/۵/۱۱.

۴۵- همان.

۴۶- مصاحبه: ۱۳۵۳/۵/۱۱.

۴۷- همان.

48- WO 1061 40, XC/A/047702,P.1

49- Ibid, p. 2.

